

حیات دینی کیهن سندان مذکور حق ایران (الکرمیت)

وفقاً این نامه را در رابطه با وضع نشره این کتب نوشته ام. هره ^{علا} این کتب را در کتابخانه هفتاد
تسین مطب نته دست (این نامه بسیار در آخر شهر نور ماه برای چاپ به اردیبهشت سال ۱۳۰۰) وقت
صادق رحیم حسن و بهرام در جریان شده هستند. وقت میمانند که اکنون مدت در سال است
که من مطب سقیم در رابطه با این کتب کار میکنم. در برای تسین مطب این کتب در ماه دوم هر فصل به برگشتن
تیرقم و در ماه آخر هر فصل بر از یک مطالب نوشته شده میرسد بر از دست و باقی رهنم به ^{این کتب}
را به اردیبهشت سال ۱۳۰۰ در ۱۷ مرداد سال ۱۳۰۰ بر از صحت در دایره ~~مکتب~~ مکتب کوا شیب خن سندان
سین بر از صحت با راه انداخته که در شده بود و از طرف دیگر بر از وقت حیات تحریر
این کتب تقسیم به متن ~~بزرگ~~ بزرگ داشته ترارند که بطور از طریق سانس تهیه شود. موضوع
سفر هم مسلم بود و حبه با هیئت تحریر این کتب و تسین مطب این کتب با اضافه تقاضا
ملکات باقی ماندستم که راه هم موافقت کرد که از شعبه تکلیف در خواست کتب این
مکان را فراهم آورد. (با داری بکنم که بر از هره زمان در نیز من از طریق سانس بطور قسم)
در صحت کتب که وقت بهرام صادق حسن داشته ^{بالا} تکلیف شد که سیالیت از طریق رحیم
و حیات دین را ^{موضوع} موضوع مأموریت دیگر ^{این} آن ~~به~~ به تکلیف است (همه شود تا وقت اقدام
به ~~تقسیم~~ تقسیم بلیه تا ^{من} من آنگاه راه انداخته را به رحیم مطب میکنم و رفیق باغ میرده قصه دارد
شده حیات تحریر این کتب ^{محل} محل استوار آن را بطور کل در حیات دین ^ص ص تا ^{من} من امروز
که تا ^{دوم} دوم شهر ^{سال} سال باشد هنوز با ^{دیت} دیت ^ن نوشته ام. از طرف دیگر از وقت حیات تحریرها
وقت غفور و آینه به اردیبهشت یا در حال رفتن هستند و در ^{مکتب} مکتب ~~هم~~ هم در اردیبهشت ^و و ^{پیران} پیران
گشتن به ^{مکتب} مکتب ^{میرود} میرود. سوال من اینست که ^{حل} حل شده رفتن یکفر صحت ^{تقسیم} تقسیم ^ص ص ^{تسین} تسین ^{مطب} مطب
این کتب ^{۱۴} ۱۴ که سیالیت ضرورت صورت گیرد چه ربطی با تسین تکلیف (وضع حیات
تحریر این کتب بطور کل دارد؟

آیا در وقت ع از آنست مجموع این ترکی در جو که توسط کانونها مستعمل است این دست و دستگیر
 که در آن بکبر منتهی و من آنرا گنجه است به نفع ما تمام بجز آنست؟ آیا اینها در وقت
 تصفیه کانون دافس و قوت کانون مستعمل است؟ آیا با این ترتیب زمینها را در وقت
 انتقال وقت زمین طرفداران را زلزم نمیشود؟ مگر آنست این ترکی جزو کارها در
 زمان محسوب نمیشود؟ ~~پس بر آنست~~ ~~و در وقت~~ ~~مستعمل~~ ~~است~~ ~~این~~ ~~دست~~ ~~و~~ ~~دستگیر~~
 میکند. آیا میشود به فرض انتقال هم وجود داشت (که نظیر من متعال خواهد بود) ابتدا
 مسئله سفر با توهم به هم بودن آن حل نمیشود و سایر انتقادات صورت میگرفت نه اینکه این ترکی

در تصفیه مستور ~~است~~

در این فاصله زمانها جرات تصفیه در مورد وقتن بهر گنج دانند که با شانه
 هست که برف وقتا بطور ناخوب در تکاپو کف عن با صطلح تراکیبی در رابطه با
 مانت کف من بهر گنج من هستند. مثال از اینکه در حال کار تصفیه من در رابطه با کانون
 است مگر عکس این مطلب است.

وقتاً هر چند سال زیاد در این باره دستوری که در دارم اما با توجه به اهمیت ~~است~~
 کانون و منطقه بر اساس خواسته من مکتوب شده است در دستور کار قرار دهی. من بر این ترجیح
 زینبانی در مورد در هر ارکان است (حاضر).

علت عدم تهیه بلیط بهار او دانستیم این تقاضا باید از طریق دفتر مربوط
 این استور این بود که بازگشته ۱- اهر و این به حسب برسد.

دانشجو ۱۴۷۷

امور تحریر به شهرها و گنج من مسافرت است و دی وجهی توفیق میان تصفیه و سفر است
 سازی در آنجا برقرار کردند. با وجود این سابقه که هنوز رسیدن علم که است این بار از این
 خواسته نیست و دیدارهای دائمی نخواهد دانسته باشد و موضوع آنرا تقیاً با مقصد تصفیه است
 و با تهیه از صاحب دفتر مربوط با اطلاع دهد و بعد به این مسافرت برود. یعنی وی بدون
 توفیق مربوط مسافرت خود را انجام داد در قبیل این اقدام خود اظهار داشت که جهت امور تصفیه این است

توضیحات (در)

مسافرت وقتاً است
 ۱۴۷۷

در حال داین دوگانگی با هم کاسه تفاوت هسته هیت سی سگوه که ما مستقیم این دوگانگی باید یکی شود و با آنجا که کسب شود
 گرد و خیزان فکر آنجا مورد تأکید و تأیید. در قضاوت هیت سی ای آیتنا سایل را که بعد از عدم این کانون مستقل در سبب گذشت
 کفوی و عشق آباد گذشت مورد بررسی و آراء و ادیان؟ این هم با هواداران آن است که بحث از بتلیف نشوکی و دلایل محکم بر آن
 در نقیاس اخوان آنجا آورده شد در بسیاری از بحث آنجا حق و حق با حق نقد استند و دل با خیال ساختن استند حق سبب نقیاس
 آنجا گردانیم. ~~این در حال است که نقیاس بسیار زیاده از نقیاس است و در هر دو این دو سبب است~~
 آیا این سبب مورد بررسی رهبر سبب آن و اگر نقیاس از علت این امر چه بوده و چرا ما سبب استند ما در فزون کسی واقف کنیم؟
 قاضی که مورد بررسی و آراء گذشت - هیچ نقیاس و واقفیتا زیرا با آنجا که نقیاس و چون نقیاس استند نقیاس کردن
 آنجا سبب آنجا که سبب قاضی مورد آراء و در هر دو نقیاس و در هر دو نقیاس با آنجا که نقیاس استند و در هر دو آنجا که سبب
 نقیاس این چه راهی است که رهبر سبب در این زمینه پیش از نقیاس در نقیاس این راه سبب بسیار سبب استند نقیاس
 نقیاس استند نقیاس تا با این بر آفتاب آن مطالب مورد نقیاس استند نقیاس این سبب بر آفتاب
 ۱- در زمینه محرمات ۵۸ باشد می نیگو - بر ضرورت در سال ۱۳۶۰ و چنانچه در این زمینه در این سبب و در این سبب و در این سبب
 چه فراتر از این سبب در این سبب و در این سبب در این سبب در این سبب در این سبب در این سبب در این سبب در این سبب در این سبب
 ۲- علت استند از آن نقیاس از نقیاس استند نقیاس و چه عوامل باعث شکل این سبب در این سبب در این سبب در این سبب
 آیا آن علت استند از این سبب استند ؟

۳- در سبب استند نقیاس اخوان که جدا شدن از سبب استند نقیاس بسیار ضرورت استند نقیاس هم در سبب استند نقیاس و هم در سبب استند نقیاس
 و هم در سبب استند نقیاس این سبب استند نقیاس در این سبب استند نقیاس و سبب استند نقیاس و سبب استند نقیاس و سبب استند نقیاس
 ۴- استند آن سبب در این سبب استند نقیاس در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس
 نقیاس استند نقیاس در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس
 برای این کانون چه ارزش و سبب استند نقیاس در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس
 و سبب استند نقیاس در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس
 ۵- بر آن سبب استند نقیاس در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس
 و سبب استند نقیاس در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس
 رهبر استند نقیاس در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس
 جنبی که در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس
 بر آن سبب استند نقیاس در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس
 اما وقت که در سبب استند نقیاس در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس
 در سبب استند نقیاس در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس

بعد از این سبب استند نقیاس در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس
 کانون استند نقیاس در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس و در این سبب استند نقیاس
 -۲-

وآنکه نسبت از خود تا کینه و از دشمنی که از آن جدا شدن است و توفیق و ...
 است. آنرا بعنوان یک سبب در سطح اروپا بین وینا و سایر سیاه ایران که در اروپا نمایندگی دارند پذیرفته شده است. تاکنون کسی از آنها
 ارکان خود را منتشر نکرده و شکی نیست که خود را راه انداخته. در واقع بنام الله فقط در میان در سونند از طرف برادرانند که تا
 بعنوان فاسد خلق ترسم ایران مورد پذیرش و پذیرفته و در آن ترک نموده اند. با سایر مسلمانان هیچ وجهی و هیچ مانده و مانده
 کردت مذکرات رسالتی است. و غیره انجام میدهند. - با آنکه مختلف را رسم گذاشته و در آن امر مقیم اروپا را جمع کرده
 یک خود را تبلیغ می نمایند. در حقیقت خود اینجاست که مختلف مانند اینجاست و همین در آن مقیم اروپا را تبلیغ کرده و یاد
 تبلیغ کرده هستند. در این بین سایر کشورهای کانن را در اروپا و سایر کشورها را در آن مقیم اروپا را تبلیغ کرده و یاد
 ظاهره فقط تبلیغ کنند. بلکه در آن مقیم اروپا را تبلیغ کرده و یاد. البته از آن مقدار مدوری از آنرا داشته
 احدها است. آنرا چون آنرا حفظ از این سبب را در این مقیم اروپا را تبلیغ کرده و یاد. البته از آن مقدار مدوری از آنرا داشته
 مضاعف. در هر یک حضور این سبب را در این مقیم اروپا را تبلیغ کرده و یاد. البته از آن مقدار مدوری از آنرا داشته
 و اما چنانچه می بینیم

کانون و همین سبب خلق ترسم ما احدها وجود خاص ندارد. فقط یک شیوه ایل نوعی است که معلوم است از کانون
 با این سبب که در کانون تبلیغ است. در هر یک از کانون و ایل نوعی ندارد. به ما می بینیم در هر یک
 کانون است که می بینیم. حتی در آن سبب که بود معلوم شد. به ما می بینیم. در هر یک از کانون و ایل نوعی
 خود را در ایل نوعی از طرف کانون و همین ترسم که در آن سبب که بود معلوم شد. به ما می بینیم. در هر یک از کانون و ایل نوعی
 آن نیز از طرف سبب خلق. و اما این سبب که در هر یک از کانون و ایل نوعی است. تا کینه کرده اند
 هنوز در این سبب که در ایل نوعی سبب خود تمام می بینیم و این چه سبب را در هر یک
 رفتار سبب که در ایل نوعی (سبب که در هر یک از کانون و ایل نوعی است) در آن رفتار ترسم در هر یک از کانون و ایل نوعی هستند
 در این نظام که در ایل نوعی قابل عمل در ایل نوعی است. و تقویت کانون و سایر کانون و ایل نوعی کانون
 و تقویت بیشتر و خایف آن. در ایل نوعی سبب که در هر یک از کانون و ایل نوعی است. در آن رفتار ترسم در هر یک از کانون و ایل نوعی
 و سبب از زبان حاصل در این سبب که در ایل نوعی سبب که در هر یک از کانون و ایل نوعی است. در آن رفتار ترسم در هر یک از کانون و ایل نوعی
 در این سبب که در ایل نوعی سبب که در هر یک از کانون و ایل نوعی است. در آن رفتار ترسم در هر یک از کانون و ایل نوعی
 در این سبب که در ایل نوعی سبب که در هر یک از کانون و ایل نوعی است. در آن رفتار ترسم در هر یک از کانون و ایل نوعی

فردی نیست و سبب که در ایل نوعی سبب که در هر یک از کانون و ایل نوعی است. در آن رفتار ترسم در هر یک از کانون و ایل نوعی
 تا سبب در حال بیان رسیدن سبب که در ایل نوعی سبب که در هر یک از کانون و ایل نوعی است. در آن رفتار ترسم در هر یک از کانون و ایل نوعی
 بجا می آید در هر شماره بار که سبب که در ایل نوعی سبب که در هر یک از کانون و ایل نوعی است. در آن رفتار ترسم در هر یک از کانون و ایل نوعی
 بنظر این دلیل و توجیه ادعای اعتبار و بی اعتباری کانون و ایل نوعی و بی اعتباری ادعای اعتبار و بی اعتباری خلق است
 در هر شماره تا سبب که در ایل نوعی سبب که در هر یک از کانون و ایل نوعی است. در آن رفتار ترسم در هر یک از کانون و ایل نوعی
 سبب که در ایل نوعی سبب که در هر یک از کانون و ایل نوعی است. در آن رفتار ترسم در هر یک از کانون و ایل نوعی
 سبب که در ایل نوعی سبب که در هر یک از کانون و ایل نوعی است. در آن رفتار ترسم در هر یک از کانون و ایل نوعی

با اندک دست ماه یکبار یک حد هیت تحریر داریم که در آن همه تا صایل هیت تحریر و این نوعی هیت می شود. بعد از آن
 آنگاه خلق سبب آن تا کنون یک حد است و این هیت تحریر و این نوعی که ظاهر در حد آن نیز می شود
 از آن کانون و هیت سبب خلق می کند و در مورد لغززان و هیت کانون مثل یاد است ؟ این در حال آن که در سبب و این سبب
 که طرف هیت خلق را کانون هر سبب را می بیند که این هیت تحریر از آن فریاد و هوس خود را عقل کل داشته و سبب
 بسیار تا سبب که این را سبب می گویم که خود را هم می بیند. آنگاه فریاد که در سبب می بیند این است که این نوعی می خواهد این فریاد
 منتقل شود. در زمان کانون این فریاد است و می بیند که این کانون در سبب کانون و این نوعی می شود. در این زمان
 حتی با یک نفر از اعضاء هیت تحریر می شود که هیت تحریر است.

اصلاً از خود خارج هیت سبب می بیند آیا نه؟ هیت در سبب و ظاهر و ظاهر که سبب را در سبب کانون خود قرار داد
 آیا با خود رفتار می کند می شود؟ نه. سبب است در سبب کانون و غیر هیت و هیت تا سبب تا با طرف هیت می بیند
 لا اقل با هیت تحریر و این نوعی که کانون نیز در کانون کانون و هیت سبب خلق می کند که می توانی تا سبب یا این سبب
 اصولاً فردی ذات ؟

رفقا! ما نیز سبب این که حفظ و حدی می بیند که خلق می کند و اما در هیت کانون نیز سبب ضروری و لازم است
 فقط این سبب فریاد است کانون سبب. فقط در کانون کانون کانون سبب باید عمل کرد. باید با خود به نرا و باید
 و هیت آنرا عمل است باید دانست که چه باید کرد ؟

بنفای در راه اعضاء کانون است. آنگاه و سبب آن باید کانون عمل برداشته کانون و این نوعی را در کانون واقع خود
 باید نشاند. آزاد در سبب این باید فعال شود. این نوعی را در عمل باید از کانون کانون کانون سبب
 باید را به این سبب خلق و بطور کلی سبب این کانون می شود (ها سبب که گفته ما در آن این عرض را در نظر است حق
 هیت که تا کنون در حد است. هیت می بیند و در کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون
 (هم) . اکنون فقط با عمل است که ما می توانیم آن بخش از سبب که در کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون
 در خرافات کانون ما هیچ وجه در حد و حدی موفق می شویم. چون اکنون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون
 در کار ما چون در هیت و نطرات ماده و نطرات آنرا از این است که می بیند و می بیند. اکنون فقط باید عمل کرد
 در راه این عمل و تقویت و عقاب را همراهی کرد.

یکی از سبب است برای فعال کردن کانون تقویت ارتباط آن با اهل از طریق واحد از سبب این سبب که این برای
 تقویت و فعال کردن کانون سبب حیات و هیت می باشد. ما در ۹ ماه پیش در هیت کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون
 تا سبب می بیند و در کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون

رفقا! بیایید به این خلق که ما می بینیم و سبب آنرا می بینیم. کل کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون
 واقعیت است که می بینیم. بیاییم راه عمل آنرا با توجه واقعیت بیاییم. ما می بینیم که در سبب کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون کانون
 پس بود ما بسیار موفق بودیم و نیز واقعیت و حدی هر یک از سبب این خلق می بیند که ما می بینیم که

در خانه لایح میمانم که بروند اگر بیدارم از آن بگویند

اول این که گفته شد در حال حاضر نیز نفس بیهوشی (معدله) است که این بیهوشی است ایمن یا چپ (و لایح) فرود دارد
و فکرم که این تقاضای بیخوشی است. دو سال پیش هفت سیاه مضمون است در مورد بارون من خلق کردم و است که بیدار
آن در مورد ایجاد ماشین کانون در اردو بارون تقویت فضا آن تا کید برون و هفت بران را موصوف - اقداس
عمل کرده بود اما بعد از گذشت ۲ سال من بیهوشی در اردو آن یک نوع - توافق رسیدن که به خاطر خود دارد
روم ایکه - در بیدارم از آن ۳ مورد - است که کانون سیاه و هفت خلق و کس است در هفت. باید توهم
که این کانون و هفت سیاه خلق و کس سیاه و هفت این یک کید است شباه لفظی یا اشتباه کلامی
و که هفت توهم را در آنست که اول بیهوشی است که در هر سال این کلام در هر کانون را در اسب از آن در اردو خود آورده
بنظر من بیدارم از آن هفت سیاه و فکرم که بیخوشی و عارضه از هر گونه رهنزد عمل و فقط یک
تعارف بورد است

بارود

رنگ

۱۳۶۷، ۶، ۷

روفت : بیهوشی از سبب فضا خلق ایراد از
: هفت بحریم ایل توهمی

تاریخ (روز) : ۱۳۶۷، ۶، ۷
تاریخ (ماه) : ۶، ۷